

مشاور ارشد سابق «رونالد ریگان»، رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا، در گفت‌وگوبا «شرق»:

توازن قوا در دنیا تغییر کرده‌است

ونداد الوندی‌پور



سلاح‌های جدیدی را به نمایش درآوردند که غربی‌ها انتظارش را نداشتند.

ک**ا در مورد واکنش آمریکا و متحدانش به اقدام نظامی مسکو در سوریه چه احتمالاتی مطرح است؟ مثلاً درباره اوکراین یا تهدید نظامی متحدان مسکو در منطقه.**

آمریکا دیگر نمی‌تواند کاری درباره سوریه انجام دهد و اوضاع را به وضع قبل بازگرداند. اروپا هم که با اقتصاد بحران‌زده‌اش با سیل مهاجرانی رویه‌روست که حاصل جنگ‌های مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در خاورمیانه‌اند، کمک‌هایش به اوکراین را به‌تدریج قطع می‌کند. این مسئله باعث می‌شود کی‌یف، که از نظر اقتصادی ضعیف است، به‌ناچار برای کمک، دوباره به روس‌ها روی آورد. درواقع، اروپا تازه دارد متوجه می‌شود که خدماتش به واشنگتن و تبدیل‌شدنش به ابزاری در دست آمریکا چه هزینه‌هایی برایش داشته و دارد؛ در نتیجه این احتمال وجود دارد که با امتناع کشورهای اروپایی از همراهی نظامی با آمریکا، پیمان نظامی ناتو فروپاشد. ترکیه و عربستان سعودی هم از ابتدا برای منافع ملی خود عمل نمی‌کردند، بلکه اقداماتشان تابع دستورات آمریکا بود. در نتیجه، نمی‌توانند اقدام مستقلی ضد اقدامات روسیه در سوریه انجام دهند. در مورد حمله آمریکا به متحدان مسکو، از جمله ایران هم باید بگویم چنین حمله‌ای اصلاً در برنامه و توان آمریکا نیست.

ک**ا درباره اتحاد روسیه و چین که به آن اشاره کردید، بیشتر توضیح دهید.**

جاسوس‌بازی بزرگان

عبدالحمید نورزایی



جامعی درباره پیشرفته‌ترین اختراعات و صنایع آمریکا به دست آورد. چینی‌ها توانسته‌اند جنگنده «جی ۲۰» خود را از روی «اف ۳۵» آمریکا کپی کنند. همچنین اطلاعات مربوط به بخش‌های حساس ماهواره‌ای و موشکی را به کشور خود منتقل کنند. کنگره آمریکا یک تصویب قانونی، متقابل صدور و دسترسی چینی‌ها را محدود کرد. همچنین آمریکا پنج افسر ارشد چینی را به جاسوسی متهم کرده و دادستانی کل آنها را تحت تعقیب قرار داده است.

آمریکا در برابر چین اقدامات دیگری نیز انجام داده است؛ ازجمله سازمان سیا و آژانس امنیت ملی منظم از ارتش چین و مقامات سیاسی جاسوسی می‌کنند و تسلیح و آموزش ارتش‌های تایوان، فیلیپین، ژاپن و کره‌جنوبی را تسریع کرده‌اند و آمریکا به‌جز تایوان در سه کشور دیگر پایگاه نظامی عملیاتی دارد. همچنین آمریکا با فروش جت‌های اف ۱۶ و موشک‌های کروز «تام‌هاوک» و «پاتریوت» به تایوان برای چین چالش ایجاد کرده و در دریای زرد نیز پروازهای جاسوسی آمریکا همواره عصیبتی برای چین بوده است. چین نیز نه‌تنها فعالیت‌های سایبری و جاسوسی خود را کاهش نداده، بلکه با افزایش محسوسی همراه بوده است؛ به‌گونه‌ای که سال گذشته آمریکا اقدام به اخراج شرکت مخابراتی «هواووی» از ایالات‌متحده به اتهام جاسوسی کرد و با وجود اینکه آمریکا برای مقابله با جاسوسی ۱۹ نهاد مختلف ضدجاسوسی دارد، اما اخیراً نیز کاخ سفید به صورت مجزا واحد ضدسایبری خود را فعال کرده است.

اما با وجود تمام ادارات ضدجاسوسی، بازهم چین برنده است؛ اخیراً بازهم چین متهم به دزدیدن

«پل کرگ رابرتس»، اقتصاددان، نویسنده و از مشاوران ارشد «رونالد ریگان»، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا و از مسئولان عالی‌رتبه وزارت خزانه‌داری آمریکا در دولت او بوده و نقشی اساسی در تدوین سیاست‌های اقتصادی موسوم به «ریگان‌نومیک» (اقتصاد ریگانی) داشته است. او چندین کتاب مشهور از جمله «چگونه آمریکا بازنده شد»، «ازخودبیگانگی و اقتصاد شوروی»، «تهدید دنیا توسط نومحافظه‌کاران؛ جنگ خطرناک آمریکا برای هژمونی» و... را به رشته تحریر درآورده و بسا وجودی که خودش بیش‌تر از مسئولان مهم دولت جمهوری‌خواهان بود، در دوران ریاست‌جمهوری «جورج دبلیو بوش» و «باراک اوباما» با نوشتن کتاب، حضور در برنامه‌های تحلیلی تلویزیونی و انتشار مقالاتی در نشریات مهم آمریکا از جمله «وال‌استریت‌ژورنال» و «کاترپانچ» به انتقاد جدی از سیاست‌های داخلی و به‌خصوص سیاست‌های جنگ‌طلبانه کاخ سفید پرداخته و تلاش کرده توضیح دهد که این اقدامات، ضد ارزش و آزادی‌ها در قانون اساسی آمریکاست و به ضرر منافع ملی این کشور تمام می‌شود و صلح جهانی و امنیت مردم دنیا را تهدید می‌کند. رابرتس در گفت‌وگوی کوتاهی با «شرق» درباره اقدام نظامی روسیه در سوریه صحبت کرده است.

ک**ا نظراتن درباره انگیزه‌ها، اهمیت و تأثیرات اقدام نظامی استراتژیک روسیه در سوریه چیست؟**

«ولادیمیر پوتین» در ۲۸ سپتامبر در هفتادمین نشست عمومی سازمان ملل متحد، به‌همراه رئیس‌جمهور چین توازن قوا را در جهان تغییر دادند. او اعلام کرد که روسیه بیش از این نمی‌تواند وضعیت کنونی را تحمل کند و رئیس‌جمهور چین هم ضمن تأیید مواضع او تصریح کرد که «دنیا بیش از یک رهبر دارد». دوروز بعد، پوتین اقدام نظامی در سوریه را کلید زد و شروع کرد به بمباران «داعش» که گروهی است مخلوق آمریکا و با این کار به جنگ طلبان قلدر آمریکایی فهماند که دوره یکه‌تازی و اقداماتشان در سوریه به‌سر آمده است. به دستور او، هوایماهای اسرائیلی و آمریکایی از آن قسمت از آسمان سوریه که محل برگزاری عملیات ارتش روسیه بود خارج شدند. انگیزه‌های پوتین واضح است؛ او نمی‌خواست دولت سوریه سقوط کند و نمی‌خواست با پیروزی داعش، شاهد هجوم تروریست‌های بنیادگرا به مناطق مسلمان‌نشین روسیه باشد.

ک**ا پرتاب موشک از دریای خزر، چه پیام‌هایی برای غرب داشت؟**

روسیه با پرتاب موشک‌های پیشرفته کروز از ناوهایش در دریای خزر، قدرت ارتش روسیه و مصمم‌بودنش را نشان داد. روس‌ها از این اقدام چند هدف را دنبال می‌کنند؛ یکی واداشتن آمریکا به جمع‌کردن ناوهای هوایمابرش از خلیج فارس و دیگری فرستادن این پیام به اروپا که سپر ضدموشکی‌ای که واشنگتن برای دفاع از اروپا در مقابل موشک‌های روسی در این قاره مستقر کرده، نمی‌تواند کارکرد چندانی در محافظت از اروپا داشته باشد؛ چراکه این سپر در مقابل موشک‌های کروز بی‌اثر است. درواقع مسکو با این اقدام، قدرت‌نش را به رخ غرب و آمریکا کشید. آنها با همین هدف، در رژه‌ای که به مناسبت سالگرد پیروزی بر آلمان نازی برگزار کردند،

در جنگ جهانی دوم ارتش و ملت چین پیشاپیش مسلسل‌های ژاپنی در حرکت بودند و نیروهای کم‌تعداد ژاپن بر بالین آژدهای خفته چینی حاضر شدند؛ جزیره کوچک ژاپن توانسته بود بخش بسیار بزرگی از چین پهناور را اشغال کند. از آن زمان بیش از نیم‌قرن می‌گذرد، امروزه آن آژدهای خفته بیدار شده است و قدرت آن نه‌تنها ژاپن را بلکه آمریکا را نیز درنور دیده است. ایالات متحده آمریکا از دهه ۶۰ برای شکاف در کمونیست و بلوک شرق یک استراتژی جدید را روی دست گرفت که تا فروپاشی شوروی ادامه داشت. آمریکا برای شکاف در بلوک شرق، سیاست طبقه‌پروری را در چین پیاده‌سازی کرد. آمریکا بیر این باور بود که با رشد اقتصادی چین و متعاقب آن گسترش طبقه متوسط و مرفه می‌توان دموکراسی را در آن کشور روی کار آورد. آمریکایی‌ها معتقد بودند با رشد طبقه متوسط در چین و ارتباط‌گیری آن با نمداهای غربی و ارزش‌های جوامع دموکراتیک می‌توانیم هرم قدرت را در این کشور بازآفرینی کنیم. آمریکا از مدل‌های موفقی مانند کره‌جنوبی، تایوان و هنگ‌کنگ برای چین نسخه‌پیچی می‌کرد؛ این‌گونه بود که چین به بازاری بکر برای ۵۰۰ شرکت برتر دنیا و بزرگ‌ترین سهام‌دار بازارهای سهام آمریکا و اروپا مبدل شد. هم‌اکنون پس از آمریکا دارای بزرگ‌ترین ذخایر دلاری در جهان است. این ذخایر بیش از دو تریلیون دلار است و همچنین چین دومین دارنده ذخایر طلای جهان است و علاوه‌بر تمام اینها، چین یک میلیارد دلار اوراق قرضه آمریکا را در اختیار دارد.

قدرت اقتصادی چین باعث رشد قدرت نظامی و سیاسی این کشور شده است و این فزونی قدرت باعث هجوم قدرت به سوی رقیبش آمریکا شده و برای آمریکا تبدیل به بزرگ‌ترین چالش وجودی‌اش شده است. موضع قاطع چین و آمریکا در مقابل تحركات تحریک‌آمیز یکدیگر نشان می‌دهد طرفین در ترازوی قدرت در برابر یکدیگر موضع گرفته‌اند؛ یکی از این موارد که طرفین را به زحمت انداخته است، جنگ سایبری است. سال‌هاست که چین از آمریکا جاسوسی صنعتی و نظامی می‌کند. آمریکا محبوب‌ترین مقصد برای جاسوسان چینی است. درمجموع جاسوسی صنعتی سالانه به آمریکا بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار زیان می‌رساند. همچنین سالانه صدها هزار نفر شغل خود را از دست می‌دهند. قدرت اقتصادی و نظامی چین گزینه‌های روی میز این کشور در برابر آمریکا را از تنوع و رنگ‌های مختلفی برخوردار کرده است. خلاف شوروی سابق، چین یک کدراب مخرب برای آمریکا خواهد بود. چشمان آژدها به تکنولوژی یانکی‌ها دوخته شده است. آنها بسیار تلاش می‌کنند تا اطلاعات دقیق و

جهان

دریچه

چرا «داعش» نابود نمی‌شود

تقریباً همگان در خاورمیانه در حال مبارزه با گروه «داعش» هستند.
بالبین‌حال، این گروه همچنان بخش‌های گسترده‌ای از خاک عراق و سوریه را در کنترل خود دارد و همچنین در حال گسترش قلمرو خود در خاورمیانه است.دلیل این امر توان نظامی یا پیچیده‌بودن تاکتیک‌های راهبردی این گروه افراطی نیست، بلکه دلیل پیشروی‌های داعش این است که بازیگران اصلی‌ای که در این درگیری‌های پیچیده حضور دارند، در حال تخریب خاورمیانه هستند و شکست‌دادن داعش هدف ثانویه آنها محسوب می‌شود. از نظر برخی از این قدرت‌ها، وجود داعش رویکردهای این گروه افراطی در حقیقت درحال‌حاضر مفید است زیرا آنها می‌توانند از داعش به‌عنوان اهرمی در درگیری‌ها با دشمنان خطرناک‌تر استفاده کنند. نیروهای داعش با آنکه می‌توانند از تنش‌های فرقه‌ای در جوامع سوریه و عراق به نفع خود و برای تصرف قلمرویی به وسعت انگلیس بهره‌برداری کنند، اما به اندازه کافی قدرتمند نیستند تا تهدیدی نظامی متعارفی برای بزرگ‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه باشند. اما این کشورها درباره اوضاع همسایگان خود ابراز نگرانی می‌کنند.

اتلاف به رهبری عربستان سعودی به صورتی ویژه در حال رقابت با ایران بر سر نفوذ در منطقه است؛ جدالی که درحال‌حاضر، روسیه نیز به سبب حمایت از سوریه وارد آن شده است. این مناقشه در یمین نیز جریان دارد، جایی که ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در حال مقابله با جنبش «نصارالله» است و این در حالی است که گروه‌های زیرشاخه داعش مواضع و حملات خود را علیه دو طرف تقویت کرده‌اند.



شکاف موجود بین اهداف آمریکا و ابزارهای این کشور سبب تقویت ایده شکست‌ناپذیربودن داعش شده است و به این گروه اجازه می‌دهد هزاران نیروی جدید جذب کند. «اندرو تیلر»، کارشناس مسائل سوریه در مؤسسه «سیاست خاور نزدیک» در واشنگتن، می‌گوید: «ما خواهان شکست‌دادن داعش هستیم، اما نمی‌خواهیم خودمان این کار را انجام دهیم؛ ما می‌خواهیم دیگر افراد وارد مبارزه با این گروه و کشته شوند».

آمریکا، هم در سوریه و هم در عراق، مقامات و تأسیسات داعش ژئوپلیتیک استفاده کند. آمریکا هم در بعد اقتصادی تلاش می‌کند از هند در برابر چنین هواپیمایی برای اقتصاد این کشور رشدی بی‌حدومر ببخشد. آمریکا در تلاش است تا تهدیدات و چالش‌های امنیتی پیش‌رروی خود را خنثی کند تا فعالیت‌های خویش را بر چین متمرکز کند و احیای روابط با کوبا و توافق هسته‌ای با ایران را می‌توان در این راستا ذکر کرد. ایالات متحده آمریکا فقط چین را به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای خود در بعد امنیتی و اقتصادی می‌داند. آمریکا در آینده برای کنترل چین سه گزینه در پیش‌رو خواهد داشت: نخست؛ تحریم بیشتر چین در صدور تکنولوژی پیشرفته و بازار سهام آمریکا؛ دوم؛ معرفی هند به‌عنوان بازار جایگزین چین. سوم؛ ایجاد یک منازعه خشن با کشورهای دریای جنوب چین و سپس تحریم کلی چین. در بین گزینه‌های ذکرشده دفاع و مقابله با فعالیت‌های جاسوسی چین جایی ندارد؛ زیرا سالانه هزاران نفر چینی با ویزاهای مختلف دانشجویی و کاری وارد آمریکا می‌شوند. همچنین چین در بسیاری از شرکت‌های صنعتی سهام‌دار است که می‌تواند به اطلاعات حساس آمریکایی دست یابد. مباحث امنیتی بین چین و آمریکا به‌طور قطع بزرگ‌ترین چالش برای دو کشور در ۳۰ سال آینده خواهد بود که گزینه جنگ نیز جزئی لاینفک از این معادله‌های قدرت خواهد بود. امید آن می‌رود دو ابرقدرت به تهاجمات همه‌جانبه در حوزه‌های امنیتی و ضدجاسوسی دست یابند.

نگاه

کدام بهترند؛ اوباما یا پوتین؟

این پرسش درستی نیست که کدام یک از روسای جمهوری عملکرد بهتری دارند؛ «باراک اوباما» یا «ولادیمیر پوتین»؛ چرا که هردوی آنان تا حد زیادی به گزارش‌های اطلاعاتی و توصیه مشاوران مورد اعتمادشان وابستگی دارند و نه صرف قضاوت خودشان. البته با اقدام اخیر روسیه در سوریه، بسیاری از افراد این موضوع را مطرح می‌کنند آیا واقعا کرملین یک بار دیگر سر کاخ سفید را کلاه گذاشت، آن را خلع سلاح کرده و از آن امتیاز گرفت. آیا این‌طور است؟ آیا مأمور سابق «ک‌ک‌ب» در برابر استاد سابق رشته حقوق و برنامه‌ریز اقدامات اجتماعی امتیاز به دست آورده است؟ و راستی سیر تحولات جاری به ما درباره توانایی هر یک از این دو کشور برای فرمولیزه‌کردن و اجرای سیاست خارجی مؤثر، چه می‌گوید؟ یک راه برای پرداختن به این سؤال آن است به اینکه هر یک از این دو کشور در هفت سال گذشته بیشتر از چه می‌ترسیدند، نگاه گسترده‌تری کنیم. عملکرد پوتین تا مدتی خوب بود؛ اقتصاد روسیه از سال ۲۰۱۲ به‌سرعت رشد کرد که تا حدی بنا بر رشد قیمت نفت و بهای کالاها بود. این کشور وارد سازمان تجارت جهانی شد و آنچه به «تنظیم مجدد» روابط مشهور بود، میزانی از نزدیکی را به روابط پایدار بین واشنگتن و مسکو برگرداند، اما پس از آن، عملکرد کلی پوتین کمتر جذاب به نظر می‌رسد؛ اقتصاد روسیه اکنون در یک رکود جدی است. درحالی‌که اقتصاد آمریکا به‌نسبت مسیر خوبی را در پیش گرفته است، موضوع دیگری که به همان اندازه مهم است، آن است آمریکا در هفت سال گذشته هیچ متحد کلیدی و مهمی را از دست نداده و روابطش با تعداد زیادی از کشورها از قبیل هند، ویتنام و... به طرز قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است. البته روسیه و چین اکنون همکاری بیشتری دارند اما آنها را به سختی می‌توان متحدان نزدیک دانست. در همان حال، بحران اوکراین به روابط روسیه با اروپا طرز قابل ملاحظه‌ای صدمه زده است و سبب شده روسیه از جی ۸ تعلیق شود. به‌تازگی آمریکا یک توافق تجاری گسترده با مجموعه‌ای از شرکای آسیایی امضا کرد درحالی‌که تلاش‌های پوتین برای ایجاد اتحادیه کم‌رکی اوراسیایی تا حد زیادی شبیه به تولد نوزاد مرده بوده است و آن حقیقت که پوتین احساس اجبار کرده روی سوریه سرمایه‌گذاری و شرط‌بندی کند، به ما می‌گوید وضعیت و جایگاه کلی او در خاورمیانه شمشج است.

در نقطه مقابل و باوجود تنش‌های اخیر، آمریکا هنوز هم پیوندها و ارتباطات نزدیکی با اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، کویت، اردن، بحرین و امارات متحده عربی دارد و روابط پرتنش آن با دشمن دیرینه‌اش یعنی ایران تا حدی بهتر شده است. موضوع محوری آن است هرگونه ارزیابی مبتنی بر انصاف باید به اوباما و تیمش به دلیل ادامه ایجاد روابط مفید و سودمند با خارج از کشور و پرهیز از باتلاقی‌های پرهزینه‌ای که جورج بوش و نومحافظه‌کاران کشور را به آن کشاندند، اعتبار داد.

البته فرار از این حس سخت است که پوتین با وجود داشتن برگ و دست ضعیف‌تر در بازی، از اوبامایی که دست و کارت قوی‌تری داشته، بهتر بازی کرده است. این تصورات و درک‌ها تا حدی به این دلیل ایجاد شده که اوباما وارث چندین شکست و ناکامی کامل بود اشتباه اصلی و مهم اوباما آن بود که به اندازه کافی برای خلاصی از رویکردهای غیرسالم سلف خود اقدام نکرد. او باید زودتر از افغانستان خارج می‌شد و هرگز به فکر تغییر رژیم در لیبی نمی‌افتاد. در نقطه مقابل، وقتی به اینفا نقش فعال‌تر روسیه نگاه می‌کنیم، در نگاه اجمالی، پوتین به‌نظر موفق می‌آید به‌ویژه اگر به وضعیت روسیه در سال ۱۹۹۵ یا حتی سال ۲۰۰۰ بنگریم.

اما پوتین یک اقدام را درست انجام داد؛ او اهداف و مقاصد ساده و ابتدایی که حصول آنها به‌نسبت آسان بودند را در پیش گرفت. در اوکراین او یک هدف فراگیر داشت و آن ممانعت از حرکت و نزدیک‌شدن این کشور به اتحادیه اروپا و درنهایت عضویت کامل آن در اتحادیه اروپا و سپس عضویت در ناتو است. او علاقه‌ای به تلاش برای تسلط بر همه اوکراین یا تبدیل آن به مستعمره روسیه نداشت و «درگیری فریز منجمد» کنونی در آجا برای رسیدن او به هدف غایی‌اش کفایت می‌کند. حصول به این هدف منفی سخت نبود، چراکه اوکراین کشوری فاسد، از نظر داخلی متشتت و دقیقاً در مجاورت روسیه بود. این خصیصه‌ها کار را برای پوتین برای استفاده از میزانی از زور ساده کرد و همچنین کار را برای هرکس دیگری که خواهان پاسخ و واکنش به آن بود، سخت کرد.

به عبارت دیگر، پوتین به‌نظر موفق‌تر می‌آید چون اهدافش مطابق با

